

مدیریت ریسک تقلب

دکتر یحیی حساس یگانه
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی
رضا داغانی
کارشناس ارشد حسابداری
وحید اسکو
مدرس در دانشگاه سمگان آمل

در سال‌های اخیر، پی‌گیری تقلب در شرکت‌ها توجه روزافزونی را به خود جلب کرده است، شمار بسیاری از تقلب‌ها در شرکت‌ها تیرهای روزنامه‌ها را به خود اختصاص داده و شرکت‌ها را به گرداب‌های مرگبار کشانده، مدیران شغل خود را از دست داده‌اند و بسیاری دیگر از مدیران اجرایی به محاکم قضایی رفته‌اند تا پاسخ‌گوی اعمال خود در شرکت باشند. انرون یکی از بزرگ‌ترین رسوایی‌های تقلب شرکت‌ها در قرن اخیر بوده است. بررسی بیش‌تر در مورد تقلب شرکت‌ها نگرانی‌هایی را برانگیخت که نشان می‌داد شرکت‌ها از کنترل خارج شده‌اند. در ورلدکام، تیکو، آدلفیا و آسوشیت موارد مشابهی دیده می‌شود، مدیران اجرایی با دست‌کاری اسناد و مدارک، سرمایه‌گذاران را گمراه می‌کردند. همچنین رسوایی‌های مالی از این دست، منجر به افزایش احتیاط سیاست‌گذاران حسابداری شده است. زمانی که قانون SOX (ساربنس اکسلی) در سال ۲۰۰۲ تصویب شد، کنترل شدیدی بر نحوه‌ی گزارش‌گری و افشا را در شرکت‌های سهامی ملزم ساخت. بر اساس این قانون، مدیران مالی و اجرایی ارشد باید شخصاً بر گزارش‌های مالی صحنه بگذارند. تقریباً در همین دوره نیروی پیشگیری از تقلب مدیران، در شرکت‌ها پایه‌گذاری شد تا تمرکز بر تقلب شرکت‌ها را درون سازمان و همچنین در برون آن (سازمان بورس و اوراق بهادار، بازار سرمایه و...) افزایش دهد. در این مقاله، به این موضوع‌ها می‌پردازیم: مدیریت ریسک تقلب چیست؟ آیا نگرش الزام‌آور می‌تواند به‌تنهایی، مانع تخلف‌ها و تقلب در شرکت‌ها گردد؟ پیامدهای تقلب کدام است؟ آینده‌ی تقلب و تخلف چه می‌شود و چه قوانینی در زمینه‌ی تقلب وجود دارد؟

اکسلی در ایالت متحده، قانون تقلب بریتانیا و برنامه‌ی فعالیت‌های خدمات مالی (اتحادیه‌ی اروپا) می‌توان مشاهده کرد. اما سوالی که مطرح می‌شود این است که «آیا نگرش الزام‌آور می‌تواند به‌تنهایی، مانع تخلف و تقلب در سازمان گردد؟»

البته نگرش الزام‌آور تنها راه‌حل برای مسایل اخیر نیست، بلکه شرکت و مدیریت آن در ایجاد فرهنگ سازمانی، که مشوق افراد شرکت در مسئولیت‌پذیری و تنبیه افرادی است که در سازمان مرتکب تخلف

سرمایه‌گذاری می‌شود، مورد توجه قرار نگرفته است. چنین هزینه‌هایی (چه از بُعد مالی و چه غیر مالی) بورس‌های اوراق بهادار، مراجع تدوین‌کننده‌ی استانداردها و حسابداران متعهد را بر آن داشته است که قوانین ضد تقلب و تخلف را تدوین و به مرحله‌ی اجرا بگذارند و مدیریت را ملزم به بررسی ساختارهای کنترلی شرکت و اطلاع‌رسانی اثربخشی آن به هیئت مدیره (در سطح سازمان) و فراتر از آن به بازار و مجامع حرفه‌ای، نمایند. البته چنین الزامی را در قانون ساربنس

آغاز سخن

در دهه‌ی اخیر، هزینه‌های تقلب یا تخلف‌های مالی در شرکت‌ها بسیار زیاد شده است به طوری که براساس برآورد صورت گرفته، هزینه‌ی تقلب شرکت‌هایی که این رخداد را تجربه کرده و متحمل زیان شده‌اند، حدود ۲۵۰ میلیون دلار تخمین زده شده است. البته این فقط بخشی از پیامدهای تقلب و تخلف است و مواردی چون خدشه وارد شدن بر اعتبار شرکت و بازار سرمایه که موجب از بین رفتن اعتماد عموم و در نتیجه کاهش

می‌شوند، نقش بارزی دارند. از ابزارهایی که مدیریت برای کنترل مخاطرات مرتبط با تخلف یا تقلب به آن توجه کرده است، مدیریت ریسک تقلب است که مورد توجه بورس اوراق بهادار آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا و مجامع حرفه‌ای (نظیر ACFE, IFAC) قرار گرفته است. همان‌طور که مشخص شده است هزینه‌های تقلب‌ها یا تخلف‌ها، فقط مرتبط به جنبه‌های مالی نبوده و جنبه‌ی عمومی فعل تقلب باید بیش‌تر مورد توجه قرار گیرد. یکی از پیامدهای تقلب را می‌توان تنزل حس اعتماد عموم به بازار سرمایه و به تبع آن کاهش سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه در قلب تپنده‌ی اقتصاد هر کشور، دانست.

مدیریت ریسک و تقلب

مدیریت ریسک عبارت است از فرآیندی که از طریق آن یک سازمان یا سرمایه‌گذار با روش بهینه در مقابل انواع ریسک‌ها از خود واکنش نشان می‌دهد. کلیه‌ی سازمان‌ها، اعم از تولیدی و خدماتی، منابعی را جمع‌آوری و در پروژه‌های خاصی سرمایه‌گذاری می‌کنند که شرایط عدم اطمینان بر کلیه‌ی این سرمایه‌گذاری‌ها حاکم است. سازمان‌های موفق با احاطه بر این شرایط، مانع شکست سازمان خویش می‌شوند. بر این اساس مدیریت ریسک ابتدا انواع ریسک‌ها را شناسایی می‌کند و سپس روش کنترل آن را مشخص می‌سازد. [۴] در واقع مدیریت ریسک، مجموعه تدابیر و فرآیندهایی است که از طریق آن، شرکت در مقابل انواع ریسک‌ها واکنش نشان می‌دهد و باعث موفقیت و پایداری شرکت می‌گردد. [۱]

هدف از رویکرد مدیریت ریسک تقلب، مطمئن ساختن مدیریت در جلوگیری، کشف و تجسس نسبت به تقلب در سازمان است، این راهبرد به مدیران کمک می‌کند تا اهداف سازمان را بهتر دنبال کنند و عوامل مخاطره سازمان را بهتر شناسایی و راه‌حل منطقی برای آن بیابند. مدیریت ریسک تقلب از چند مرحله برای کنترل موفق ریسک

کسب‌وکار سازمان، تشکیل می‌شود که عبارتند از:

- ۱- شناسایی و تشخیص منابع ریسک (راه‌های تخلف و شکاف‌های ساختار کنترلی شرکت)
 - ۲- اندازه‌گیری و ارزیابی میزان ریسک
 - ۳- ارزیابی میزان تاثیر ریسک‌های تخلف - تقلب در شرکت و تعیین اهمیت آن در میزان آسیب‌پذیری شرکت
 - ۴- ارزیابی توانایی‌های شرکت در برنامه‌ریزی برای مدیریت ریسک با استفاده از ابزارهای مدیریت برای کاهش آن
 - ۵- انتخاب ابزارهای مناسب و در خور موقعیت خاص شرکت
- آن‌چه در هر شرکت دارای اهمیت است مدیریت شرایط ریسک شرکت است که از بروز تخلف و تقلب که دارای اثر مالی بااهمیت در شرکت است جلوگیری کند. بنابراین، با توجه به این‌که بیش‌ترین موارد تقلب در سال‌های اخیر رخ داده است، ضروری به نظر می‌رسد آن را مورد تحلیل قرار دهیم تا علاوه بر درک از محیط پیرامون، با به‌دست آوردن آگاهی بیش‌تر از فعل تخلف یا تقلب (نحوه‌ی

انجام داده‌اند پس از دریافت پاسخ‌های مدیران شرکت‌ها در اروپا و ایالات متحده مشخص گردید، در طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۸، اختلاس در دارایی‌ها در حدود ۳۵٪، و فعالیت‌های غیر قانونی و غیر اخلاقی ۳۹٪ و گزارشگری فریب‌آمیز مالی ۱۴٪ بوده است. در مقایسه با سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۳، مشخص می‌شود، گزارشگری فریب‌آمیز مالی در حدود ۷٪ و اختلاس در دارایی‌ها ۱۴٪ کاهش داشته است (جدول یک). [۱۰ و ۸]

البته گفتنی است که ریسک‌های تقلب و تخلف در هر صنعت متفاوت است. به عنوان مثال، در بازار مصرف بیش‌ترین تخلف مربوط به اختلاس در دارایی‌ها (مبتنی بر سرقت دارایی‌ها، اختلاس دریافت‌ها یا عدم پرداخت - تسویه‌ی وجوه خرید کالا یا تعهدات) است. یا در صنایع تجهیزات پزشکی - دارویی و خدمات مالی، بیش‌ترین تخلف مربوط به گزارشگری فریب‌آمیز مالی است که در حدود ۳۹٪ موارد تقلب در این نوع شرکت‌ها را شامل می‌شود. [۸]

جدول یک - نسبت انواع رخدادهای تقلب در کشورهای اروپایی و آمریکا

چهار سال	چهار سال	چهار سال	
متتهی به ۲۰۰۷	متتهی به ۲۰۰۳	متتهی به ۱۹۹۸	
٪۷	٪۱۴	٪۳	گزارشگری فریب‌آمیز مالی
٪۳۵	٪۴۹	٪۲۲	اختلاس در دارایی‌ها

علل مدیریت ریسک تقلب

سرمایه‌گذاران در افشای تقلب یا تخلف، بازیگران آرامی هستند و شاید باید گفت نقش بارزی در افشاگری تقلب ندارند. [۳] اما وقتی یک شرکت دچار واقعه‌ی تقلب می‌شود، اولین واکنش از سوی همین سرمایه‌گذارانی که با عنوان بازیگران آرام مطرح شدند ارایه می‌شود. توجه این بازیگران هنگامی به موضوع تقلب جلب می‌شود که آثار مالی آن را بر سرمایه‌ی خویش مورد بررسی

شناسایی آن) با توجه به شرکت‌هایی که این مشکل را تجربه کرده‌اند، شرایط خویش را در محک مقایسه قرار دهیم. با توجه به موارد بیان شده در استانداردهای حسابرسی (SAS۹۹) و قانون تقلب بریتانیا (۲۰۰۶)، تقلب در سه مورد رخ می‌دهد: اختلاس در دارایی‌ها، گزارشگری فریب‌آمیز مالی و فعالیت‌های غیر قانونی - اخلاقی.

به منظور بررسی میزان تغییرات در رخدادهای تقلب، در تحقیقی که در سال ۲۰۰۹ موسسات حسابرسی بین‌المللی

قرار می‌دهند و سپس با خارج کردن سرمایه از شرکت، ضربه‌ی بزرگی بر پیکره‌ی شرکت وارد می‌سازند که چه‌بسا ممکن است منجر به ورشکستگی شرکت نیز گردد. البته این فقط بخشی از پیامدهای تقلب است. هنگامی که سرمایه‌گذاران از شرکت رو بر می‌گردانند، موجب از بین رفتن اعتماد سایر سرمایه‌گذاران به شرکت (به‌طورخاص) و بازار سرمایه (به‌طور عام) می‌شوند. حال پرسش‌های اساسی زیر مطرح است: به چه صورت می‌توان مانع وقوع چنین وقایعی در شرکت شویم؟ آیا می‌توانید راهکاری را پیشنهاد کنید؟ در ادامه، برای پاسخ‌گویی به این سوال‌ها، باید با اهداف مدیریت ریسک تقلب آشنا شد تا در پیش‌گیری، کشف و تعیین واکنش مناسب به شرایط ریسک شرکت تعیین شود.

اهداف رویکرد مدیریت ریسک تقلب و تخلف

با توجه به اینکه مدیری رانمی‌توان پیدا کرد که از صدمات تخلف و تقلب مالی در امان باشد، در پاسخ جدی به سوال فوق، تدوین راهکارهای جامع و موثر می‌تواند مدیریت را در واکنش به تخلف و تقلب یاری رساند. در این زمینه، می‌توان به تلاش‌های حسابرسان در جهان برای بررسی دلایل تقلب در شرکت‌ها اشاره کرد. حسابرسان در جهان بر عزم خود در مقابله با این پدیده تاکید داشته‌اند. آن‌ها معتقدند که با تخلف و تقلب باید برخورد کرد و در این راستا باید تدابیر موثر و کارآمدی اتخاذ شود که می‌تواند یکی از این راهکارها را مدیریت ریسک تقلب نام برد، در این رویکرد بر اهداف زیر تمرکز می‌شود:

پیش‌گیری: کنترل‌های طراحی‌شده برای کاهش ریسک تقلب و تخلف در

منشاء وقوع آن است که شامل سیاست‌ها و رویه‌های مدیریت، جهت کسب اطمینان معقول از قابلیت اتکا گزارش‌های مالی شرکت و فرآیندهای مربوط به تهیه‌ی آن‌ها است.

کشف: کنترل‌های طراحی‌شده برای کشف تقلب و تخلف در زمان رخداد.

واکنش: کنترل‌های طراحی‌شده برای انجام عمل مناسب و صحیح، برای کاهش دادن زبانی که تقلب و تخلف بر شرکت وارد کرده است.

وقتی شرکت با ریسک تقلب و تخلف روبرو می‌شود، در جهت کاهش آن راهی جز تدوین ساختار کنترلی مناسب نیست. اما چه‌گونه می‌توان ساختار کنترلی را که منطبق بر شرایط شرکت باشد طراحی و مستقر کرد؟ با رویکردی جامع و یکپارچه که مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی و رعایت حقوق ذی‌نفعان را در شرکت نهادینه سازد و مانع تلاش‌های مضاعفی شود که

جدول (۲): قوانین و استانداردهای تدوین شده در ارتباط با مدیریت ریسک تقلب یا تخلف

کشور - سازمان تدوین کننده	قانون - مقررات	موارد مرتبط با مدیریت ریسک تقلب یا تخلف
استرالیا	قانون شرکت‌ها (۲۰۰۱) و مدیریت ریسک و سیستم‌های داخلی (۲۰۰۳)	هدف‌گذاری در جهت قدرت بخشیدن به چارچوب گزارشگری مالی و آگاهی دادن به سرمایه‌گذاران در مورد تغییرات با اهمیت در ریسک شرکت
کانادا	ابزار چندجانبه (۵۲-۱۰۹)	ارتقای فرهنگ کنترل داخلی برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی در کانادا
هلند	آیین رفتار حرفه‌ای حاکمیت شرکتی	جستجو به منظور بهبود یافتن شفافیت در روابط مدیریت و سهامداران (ساختار پاسخ‌گویی مدیریت در هلند)
بریتانیا	قانون شرکت‌ها (۲۰۰۴) و قانون تقلب (۲۰۰۶)	با هدف بهبود قابلیت اتکا گزارشگری مالی و استقلال حسابرسان و مقررات مرتبط با حسابرسی در انگلیس و ایرلند
ایالات متحده	قانون ساربنس اکسلی (۲۰۰۲) و راهنمایی ضابطین قوه قضاییه آمریکا (۲۰۰۳)	معرفی تغییرات محتوایی در حاکمیت شرکتی و الزامات افشا اطلاعات در مورد شرکت‌های ثبت شده در بورس های اوراق بهادار آمریکا، همچنین الزام مدیریت در بررسی ساختار کنترل داخلی شرکت و اعلام اثربخشی کنترل داخلی حاکم بر گزارش های مالی.
اتحادیه‌ی اروپا	دستورالعمل جامعه‌ی اروپایی به منظور منع استفاده از نظام مالی برای مقاصد پول‌شویی (۱۹۹۱-۲۰۰۵)	شناسایی و تدوین راهکارهای مناسب برای مبارزه با پول‌شویی
سازمان ملل متحد	پیمان‌نامه‌ی مبارزه با جرم سازمان‌یافته‌ی فراملی (۲۰۰۰) و تشکیل کنوانسیون ضد فساد مالی سازمان ملل (UNCAC)	هدف از تدوین این پیمان‌نامه، تقویت همکاری به منظور پیشگیری و مبارزه‌ی موثرتر با جرایم سازمان یافته در سطح بین الملل و لزوم تعقیب بین المللی است.

نمایه (۱): ساختار کنترلی مناسب بر مبنای مدیریت ریسک تقلب و تخلف

واکنش	کشف	پیشگیری
<p>هیئت مدیره، کمیته حسابرسی که ناظر بر نحوه‌ی به ثمر رسیدن وظایف محوله به مدیریت، همچنین توجه بر کار حسابرس داخلی در جهت بررسی و نظارت عملکردهای سازمان است</p>		
<p>■ موشکافی مسئله و بررسی علل وجود آن</p> <p>■ توافق در نحوه ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی و اقدام نسبت به تخلف</p> <p>■ برخورد با متخلف (فعالیت‌های هدایت کارکنان)</p> <p>■ فعالیت‌های درمانی و شفاف سازی</p>	<p>■ تعیین خطوط قرمز و مکانیسم‌های هشدار در شرکت</p> <p>■ نظارت و حسابرسی مستمر</p> <p>■ تحلیل روان‌شناسی پیشگیری‌کننده</p>	<p>■ ارزیابی ریسک تقلب و تخلف</p> <p>■ آیین رفتار اخلاقی و استانداردهای مرتبط</p> <p>■ بررسی و نظارت کارمندان و اشخاص ثالث مرتبط با شرکت</p> <p>■ مشخص نمودن سطح ارتباط در شرکت و آموزش مستمر کارکنان</p> <p>■ کنترل ریسک تقلب فرآیندهای خاص شرکت</p>

مقررات یا تخلف شرکت مشاهده کردند تمایل دارند به شخص یا نهادی اطلاع دهند یا آیا آن را انجام‌شده تلقی می‌کنند؟» بیش از سه‌چهارم پاسخ‌دهندگان بیان داشتند که به سرپرست یا دیگر مدیران ارشد اطلاع خواهند داد اهمیت اطمینان به مدیران، که مسئولیت پاسخ‌گویی را در شرکت بر عهده دارند، موجب افزایش رعایت جنبه‌های اخلاقی توسط زیردستان می‌شود. نیمی از کارمندان جواب دادند که سعی خواهند کرد موضوع را به تنهایی و بدون رجوع به مدیریت حل کنند، (البته دریافت این نظر با دشواری صورت گرفته است) و ۴۴٪ موارد را به دایره‌ی رسیدگی به

به صورت مستقیم، اساس فرآیند تصمیم‌گیری و قضاوت را تعیین و برای ایجاد یا بررسی ساختارها مورد استفاده قرار داد و به‌سهولت می‌توان ساختار کنترلی مناسب بر مبنای مدیریت ریسک تقلب و تخلف (نمایه یک)، تدوین کرد.

کشف سوء رفتارها و موارد تخلف

بسیاری از موارد تقلب‌های سازمان‌یافته توسط افشاگران تقلب مورد تحلیل قرار می‌گیرد. برای آگاهی از میزان تمایلات افشاگران شرکت در تایید سوء رفتارها در شرکت و توجه مدیریت به موارد سوء رفتار در مسیر پیشرفت شرکت، باید میزان گزارش موارد تخلف و سوء رفتار از دیدگاه کارمندان واحد تجاری مورد توجه قرار داد. در

موجب از بین رفتن منابع شرکت و فاصله افتادن بین کشف تخلف و واکنش مناسب می‌شود. اولین راه قابل‌دسترس برای دستیابی به معیار مناسب در طراحی و مدیریت ساختار کنترلی داخلی، مطالعه در قوانین و استانداردهای تدوین شده در این زمینه است، زیرا همه‌ی پدیده‌های حسابداری و حسابرسی مستلزم شناخت ساختار دانش یا چارچوب فکری است که فرد (یا افراد) از مجرای تجربه، یادگیری و سطوح دانش کسب کرده اند. هر یک از ساختارهای دانش و چارچوب فکری می‌تواند شیوه‌هایی را تعیین کند که در آینده مورد اقدام مدیریت شرکت قرار گیرد و برای فرآیند تصمیم‌گیری و قضاوت، به عنوان یک رهنمود، عمل نماید. بنابراین، بعضی از استانداردهای تدوین شده که بازتاب تلاش‌های فراگیر بین‌المللی در تدوین مقررات مرتبط با برخورد با تقلب و الزامات حاکمیت شرکتی است، به طور انتخابی در جدول (۲) قید شده است. [۴ و ۲]

افزایش دانش و تبیین تفکر قانون‌گذار یا تدوین‌کنندگان استانداردها، نقطه‌ی شروعی برای ایجاد ساختار کنترلی درخور و مناسب شرکت خواهد بود، بدان سبب که با پی‌بردن به وجود نوع ارزش یا هنجار مورد توجه قانون‌گذار،

جدول (۳) - تمایل به گزارش کشف سوء رفتارها و موارد تخلف

۸۱٪	مطلع کردن سرپرستان یا سایر مدیران
۵۲٪	تلاش برای حل موضوع به‌طور مستقیم
۴۴٪	مطلع کردن دایره‌ی رسیدگی به تخلفات شرکت
۱۰٪	اطلاع دادن به افراد خارج از شرکت
۷٪	بی توجهی یا نادیده گرفتن موارد تخلف

تحقیق انجام‌شده پرسش‌هایی در این‌باره بین نمونه‌ی پاسخ‌دهندگان مورد مطالعه توزیع شد. در پاسخ به این پرسش که «اگر موارد نقض قوانین و

تخلف‌های شرکت، اطلاع می‌دهند، سایر پاسخ‌های دریافتی را در جدول سه مشاهده می‌کنید. [۸]

کارمندی که به سوءرفتارها مشکوک شوند (یا از آن آگاه گردند) پس از اطلاع دادن آن به مراجع ذی‌ربط به احساس آرامش و امنیت دست می‌یابند و زمانی که این احساس خطر آنان، توسط مسئولین اجرایی شرکت در موارد تخلف (نظیر کمیته‌ی حسابرسی، مدیران) تایید شود، کارمندان از این‌که برای رسیدگی موارد تخلف به مدیران رجوع کرده‌اند، راضی و خشنود می‌شوند. اما سوالی که مطرح می‌شود این است که چه بخش‌هایی در شرکت توانسته‌اند بیش‌ترین حس اعتماد و اطمینان برای کارکنان را در زمان رجوع برای گزارش موارد تخلف، ایجاد کنند؟ در بررسی صورت‌گرفته سرپرستان و مدیران داخلی در مرحله‌ی نخست و بعد از آن همکاران و بخش مدیریت منابع انسانی شرکت و در انتها بخش حقوقی توانسته‌اند بیش‌ترین رضایت خاطر را در کارکنان ایجاد کنند. [۸]

عوامل کاهش‌دهنده‌ی ریسک تقلب

به منظور درک ساختار شرکت و نیز کشف شکاف‌های کنترل، باید بتوان راهکارهای زیر را به‌طور مداوم مورد استفاده قرار داد:

۱- افزایش شناخت از محیط کسب‌وکار شرکت و موارد مرتبط افزایش‌دهنده‌ی ریسک تقلب.

۲- توجه به آیین اخلاق سازمانی، با ایجاد سازوکاری که احترام به حقوق (فردی - سازمانی) را مورد تشویق قرار دهد و موجب کاهش تنش‌ها و فشارهای سازمانی (از طرف مدیریت یا کارکنان) شود، همچنین احترام متقابل نباید فراموش گردد.

۳- توجه و ایجاد کمیته‌ی حسابرسی، که به‌طور فعال در شرکت بر کارهای مدیریت نظارت شود و رابطی بین حسابرسان و هیئت مدیره است.

۴- استفاده از مشاوران خارج از شرکت

روش‌های برخورد با متخلف یا متقلب

روش‌های مبارزه با تقلب و تخلف را می‌توان به دو بخش روش‌های پیش‌گیرانه و واکنشی (بهبود و اصلاح)^۱ تقسیم کرد.

مطابق با قوانین تجارت کشورهای مختلف، مدیریت و هیئت مدیره بایستی وظایف خود را در دو بخش پیشگیری و مجازات متخلف به‌طور همزمان و به موازات هم انجام دهند. اجرای پروژه‌های بررسی ساختار نظارتی شرکت در جهت ریشه‌یابی علل وقوع تخلف یا تقلب و یافتن راهکارهای مناسب برخورد با آن‌ها یکی از مهم‌ترین وظایف مدیریت در جهت پیش‌گیری به‌شمار می‌آید. این امر قطعاً به تدریج به تهیه‌ی آیین رفتار حرفه‌ای مناسب منجر خواهد شد که خلاء مقررات مورد نیاز برای پی‌گیری را پر خواهد کرد. اما در مقابل راهکار پیش‌گیری، راهکارهایی نیز وجود دارند که جنبه‌ی واکنشی دارند.

برخورد قاطع با متخلف یا متقلب، اولین و مهم‌ترین راهکار این بخش است که شرکت باید با قطعیت آن را دنبال کند. علاوه بر آن، توسعه‌ی همکاری واحدهای نظارتی و مراقبتی با مراکز مالی شرکت، قطعاً موجبات کمک به کشف تخلف یا تقلب می‌شود و هم زمینه را در ایجاد محیط امن در شرکت فراهم می‌کند. نکته‌ای که رعایت آن اهمیت زیادی دارد این است که عملکرد مدیریت می‌باید به نوعی انعکاس یابد تا در اعتماد کارکنان به مدیریت خدشه وارد نشود. به همین منظور در تحقیقی که در طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۷ در مورد میزان استفاده از رهنمودهای قانون ساربنس اکسلی و رهنمود ترنبول در مورد فعالیت‌های درمانی جهت رفع یا اصلاح نقاط ضعف با اهمیت ساختارهای کنترلی و گزارش آن در بین کشورهای اروپایی، صورت گرفته، مشخص شده است، که بریتانیا و هلند بیش‌ترین میزان این نوع گزارشگری را در شرکت‌های خود داشته‌اند.

در ادامه، به بررسی سیر تدوین قوانین در آمریکا وانگلیس می‌پردازیم تا با تفکر قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان مقررات در بورس‌های اوراق بهادار بیش‌تر آشنا شویم تا امکان تصمیم‌گیری آگاهانه در مورد چگونگی تحصیل و مصرف منابع در مواجهه با سطوح ریسک در شرکت، بیش‌تر شود و رویکرد مدیریت ریسک بهتر در شرکت مورد استفاده قرار گیرد.

قوانین در آمریکا

از زمان تاسیس کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا، قانون ساربنز اکسلی از جمله موثرترین قوانین تدوین شده در مورد شرکت‌های سهامی و حسابرسان بوده است. این قانون در ژوئیه ۲۰۰۲، گامی بلند، در زمینه‌ی امور مالی در آمریکا بعد از ورشکستگی شرکت‌های انرون و آرتور اندرسون بوده است. از جهات بسیاری ساربنز اکسلی بیانگر پایان یک دوره و نقطه عطفی برای شروع دوره‌ی دیگر است. قصد و نیت قانون‌گذار از طرح ارتباط اجباری و مستقیم بین مدیریت ارشد شرکت‌ها و کیفیت صورتهای مالی شرکت‌ها، کم‌تر از تغییر فرهنگ شرکت‌های سهامی آمریکا نیست. از طریق قوانین خاص دولتی و نتایج گزارشگری مالی تحت اصول پذیرفته‌شده‌ی حسابداری (GAAP)، این موارد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار به کار می‌رود. این قانون به قصد تقویت اطمینان عمومی به بازارهای سرمایه تدوین شده است و با برشمردن جرایم مربوط به تخلف‌ها و تقلب‌ها، تکالیف جدیدی برای شرکت‌های سهامی، مجریان، مدیران، حسابرسان، و کلا و تحلیل‌گران اوراق بهادار، سعی در ایفای این مهم دارد. کمیسیون بورس اوراق بهادار و هیات نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی بر اجرای کامل این قانون هدایت و کنترل دارد. البته گفتنی است تمامی موارد

تامین‌کننده‌ی چهار هدف اصلی، ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی، شفافیت، عدالت و انصاف در رعایت حقوق ذی‌نفعان است.

قانون ساربنز اکسلی (۲۰۰۲) شامل یازده بخش است:

عنوان اول: هیئت نظارت حسابداری شرکت‌های عام

عنوان دوم: حسابرسان مستقل

عنوان سوم: مسئولیت شرکت‌ها

عنوان چهارم: تقویت و افزایش افشای مالی

عنوان پنجم: تجزیه و

تحلیل تضاد منافع

عنوان ششم: اختیارات

و منابع کمیسیون

عنوان هفتم: مطالعات

و گزارش‌ها

عنوان هشتم:

پاسخ‌گویی و مسئولیت

مدنی در موارد تقلب

عنوان نهم: بالابردن

جریمه‌ی یقه سفیدها

عنوان دهم:

اظهاری‌نامه‌ی

مالیاتی

شرکت عنوان

یازدهم: پاسخ‌گویی

و تقلب شرکت

استانداردهای

فهرست شده‌ی

حاکمیت شرکتی

در پاسخ به قیود قانون ساربنز اکسلی، بورس اوراق بهادار نیویورک^۱ و انجمن ملی معامله‌گران اوراق بهادار^۲ قوانین حاکمیت شرکتی جدید را برای شرکت‌های فهرست شده پذیرفتند. قوانین ویژه برای هر بورس متفاوت است، هرکدام شامل استانداردها و مقررات خاص برای مدیران، کارکنان و اعضای هیات مدیره است. همچنین شامل افشای مجموعه قوانینی است که قبلاً موجود بوده و مدیران یا کارکنان اجرایی از آن‌ها صرف‌نظر کرده‌اند.

تعیین معیار و خط‌مشی‌های حکم

قضایی^۴

در پرونده‌های مالی - آمریکا

خط‌مشی‌های دادگاه فدرال در آمریکا برای مدعی، شرکت متخلف را در مورد الزامات برنامه، رعایت قانون و اخلاق سازمانی مورد بازخواست قرار می‌دهد. در اول نوامبر ۲۰۰۴، دادگاه‌های فدرال، برخورد با سازمان‌هایی را مورد توجه قرار داده‌اند که به مدد مقررات موجود

گرفته شود. همچنین دادگاه فدرال در آمریکا باید اطمینان‌بخشی مدیران در مورد اجرای برنامه‌های رعایت اصول اخلاقی در شرکت و اثربخشی کنترل‌های داخلی طراحی‌شده در زمینه‌ی قانون ساربنز اکسلی را مورد توجه قرار دهد و در صورت بیان دلایل نادیده گرفتن برنامه‌های رعایت اصول اخلاقی در سازمان‌ها دادگاه باید در مورد آن‌ها پی‌گیری کند. علاوه بر این، باید برای مدیران، کارکنان و سایر

کارگزاران بخش‌ها

در شرکت، با این

هدف که دانش

کافی در ایفای

مسئولیت‌ها و

نقش‌های شان

در شرکت داشته

باشند، برنامه‌های

آموزشی فراهم‌شود.

بخش پیگرد

قضایی آمریکا

در اوت

۲۰۰۸ قوه‌ی

قضایی‌هی آمریکا،

خط‌مشی‌هایش

را در زمینه‌ی

پیگردهای قانونی

تخلف‌ها و خطاهای

رخ داده در شرکت‌ها اصلاح کرد. در این رهنمود، بیان می‌شود که یک شرکت نمی‌تواند از جزییات مطرح شده در قوانین، برای کاهش تعهد شرکت در قبال شهروندان استفاده کند. این موضوع، این مهم را تاکید دارد، در پیگردها باید مسئولیت‌ها و میزان مشارکت مدیران، کارکنان و کارگزاران هر شرکت در تخلفات بررسی شود. بنابراین وظایف مدیریت، کارکنان و سایر بخش‌های سازمان در فرآیند ارزیابی ساختار کنترلی بدین صورت بیان می‌شود:

به دنبال پنهان‌ساختن تخلف و یا کاهش جزای احتمالی بوده‌اند. بنابراین انتظار می‌رود در فرهنگ سازمانی توجه به جنبه‌های اخلاقی نظیر انصاف و عدالت نهادینه شود. در بخش دیگری از این رهنمود، بر پیروی از رویه‌های کنترل داخلی و نیز ارزیابی کارایی برنامه‌های رعایت اصول اخلاقی، به صورت دوره‌ای تاکید شده است، تا روند تدوین استانداردها بهبود یابد و فرآیندهای پیش‌گیری و کشف تخلف و تقلب در طراحی ساختار کنترل داخلی در نظر

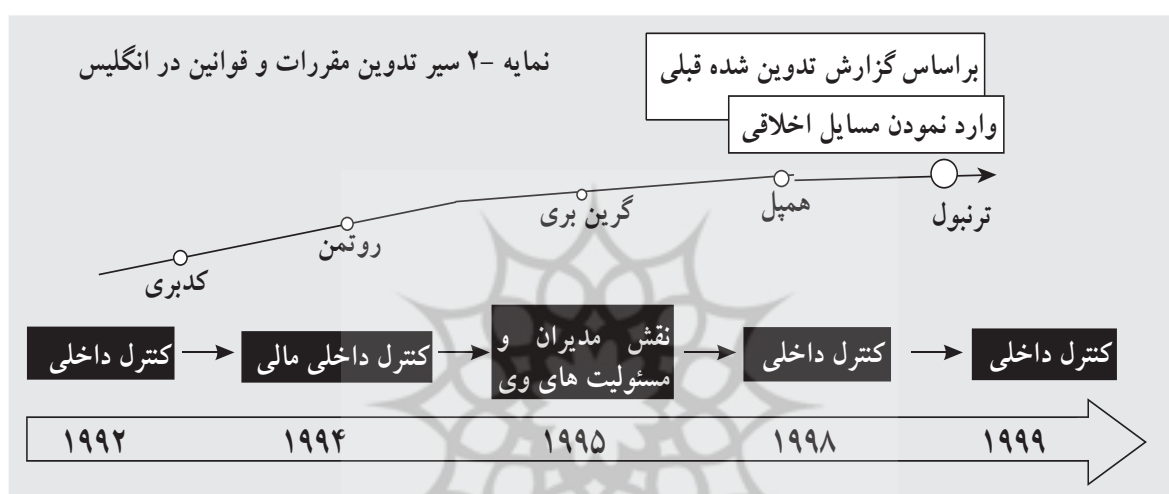


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

لذا نقطه‌ی شروع مفیدی بود چرا که حاکمیت شرکتی بیابیه‌ای حیاتی است و جنبه‌های مهمی از شفافیت، انصاف و پاسخ‌گویی را با هم ادغام کرده است. ظهور تحول در حاکمیت شرکتی در بریتانیا به لحاظ تاریخی جالب است. زمانی که در سال ۱۹۹۲ در این کشور برخی رسوایی‌ها و فاجعه‌های شرکتی شامل رسوایی شرکت مکس ول، کالپس و پولی پکل مطرح شد کمیته‌ای برای حمایت از

بر اجرایی آیین رفتار حرفه‌ای و مدیریت ریسک شدند. در ادامه، سیر تدوین رهنمودها و مقررات مزبور ارائه می‌شود. البته این موارد تا سال ۲۰۰۶ ادامه داشت؛ قانون تقلب بریتانیا، سال ۲۰۰۶، فعل تقلب را در سه بخش قرار داد: الف) ارائه‌ی نادرست ب) قصور در افشای اطلاعات ج) سوءاستفاده از فرصت (به‌وجود آمده)

● مدیریت شرکت، مسئول پاسخ‌گویی در قبال اشخاص ذی‌نفع است و در صورت عدم اداره‌ی مناسب شرکت (در جهت تحقق اهداف شرکت)، مورد بازخواست قرار می‌گیرد. همچنین باید اطمینان پیدا کرد که برنامه‌ی رعایت^۵ شرکت، تنها یک نوشتار نبوده، بلکه باید در حیطه‌ی عمل سازمان مورد استفاده قرار گیرد و مدیریت باید رعایت یا عدم رعایت این برنامه را مورد توجه قرار دهد و



منافع عمومی ایجاد و آدرین کادبری^۶ به عنوان مدیر کمیته منصوب شد. وظیفه‌ی این کمیته، یافتن راه‌های ایجاد کنترل‌های داخلی مناسب در شرکت‌های سهامی و افزایش قابلیت حساب‌دهی و پاسخ‌گویی بود. همچنین در این گزارش آیین‌نامه‌ی ترکیب اعضای هیئت مدیره و نحوه‌ی انتخاب آن‌ها، مسئولیت‌های هیئت مدیره، کمیته‌ی حسابرسی، و امور مرتبط با کمیته‌ی حسابرسی مطرح شده است. دو سال بعد در دسامبر ۱۹۹۴، کارگروهی که سیمون روتمن^۷ هدایت می‌کرد گزارش خود را منتشر کرد. خط‌مشی‌های روتمن، برای دوره‌ی حسابداری که شروع آن اول ژانویه ۱۹۹۵ یا بعد از گزارش ترنبول در سال ۱۹۹۹، این

رهنمودهای ارائه‌شده برای بررسی ریسک تخلف و تقلب - از کادبری تا ترنبول

حاکمیت شرکتی، نخستین بار در اوایل قرن نوزدهم مورد توجه قرار گرفت. در بریتانیا، تلاش‌های بسیار برای ایجاد بهترین عملکرد و تعریف از مفهوم آن انجام شده است. تردیدی نیست که تبیین حاکمیت شرکتی با این منظور بوده تا بهترین عملکرد را برای کنترل و هدایت شرکت‌ها مشخص کند. با وجود ارتباط بین بخش‌های عمومی و خصوصی، بهبود عملکرد سهامداران از طریق سیستم مدیریت کارا و اثربخش به طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است. در پیش‌گفتار گزارش کادبری به گزارش جهانی درباره‌ی حاکمیت شرکتی و اصول اصلی در مفهوم حاکمیت شرکتی اشاره شده است.

از سازوکارهای تشویق یا تنبیه برای اجرای موفقیت آمیز آن استفاده نماید.

● همچنین مدیریت و کارکنان شرکت، باید فضای مناسبی برای حساب‌رسان به منظور ارزیابی نتایج تلاش‌ها و پیروی از برنامه‌های مصوب شرکت فراهم کنند و با آن‌ها همکاری نمایند.

● پیروی از برنامه‌های اخلاقی شرکت: کارکنان شرکت از برنامه‌ی شرکت و اصول اخلاقی حاکم در سازمان مطلع و نیز از تعهدات شرکت در قبال مشتریان و جامعه آگاه شوند.

مقررات و قوانین در انگلستان

در بریتانیا نیز با انتشار گزارش‌های ترنبول (۱۹۹۹) و هیگس و اسمیت (۲۰۰۳) شرکت‌های فهرست‌شده در بورس اوراق بهادار لندن، ملزم

گزارش بر خطمشی روتمن ارجحیت پیدا کرد. در همین زمان در ایالات متحده گزارش COSO «چارچوب گزارشگری یکپارچه‌شده‌ی کنترل داخلی» منتشر شد که بیانگر این است که قابلیت اتکای گزارش‌های مالی با توجه به اثر بخشی کنترل‌های داخلی و رعایت قوانین و مقررات در سطح سازمان افزایش می‌یابد.

گزارش کمیته‌ی گرینبری^۱ در ژانویه‌ی ۱۹۹۵ بنا بر تقاضای وزیر سابق

بریتانیا، «جان میچور» در بحبوحه‌ی مناقشات سیاسی و در خلال افزایش سریع پاداش و حقوق مجلس منتشر شد. پاداش مدیران عنوان اصلی است که کمیته بر روی آن متمرکز شد. این کمیته در پی شناسایی رویه‌ی مناسبی برای تعیین پاداش و فراهم کردن مجموعه قوانینی در بریتانیا^۲ بود.

در سال ۱۹۹۸ همپل^۳ بینش حاکمیت شرکتی را در توسعه‌ی جنبه‌هایی فراتر از کنترل‌های مالی، که

هم شامل کنترل‌های عملیاتی و هم پیروی از مقررات تدوین‌شده در بورس اوراق بهادار مانند مدیریت ریسک، بود تایید می‌کرد. اهداف عمده‌ی گزارش وی، بالا بردن سطح استانداردهای حاکمیت شرکتی در جهت حفظ منافع سرمایه‌گذار به منظور پشتیبانی و تقویت وضعیت شرکت‌های درج شده در بورس اوراق بهادار لندن بود. این گروه مجموعه‌ای از اصول حاکمیت شرکتی را مختصراً معین و پیشنهاد کرد کلیاتی که ترکیبی از

مجموعه قوانین کادبری و گرینبری را در برداشته باشد، توسط بورس اوراق بهادار به منظور تدوین قوانین مورد استفاده گیرد. بورس اوراق لندن مجموعه قوانین یکپارچه‌ی حاکمیت شرکتی را در ژوئن ۱۹۹۸ منتشر کرد. این مجموعه قوانین، کلیات بحث شده در کمیته‌ی کادبری و گرینبری را مورد تاکید قرار داد و جزئیات نحوه‌ی تفسیر قوانین را در برداشت. [۶]



ژوئیه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کمک به شرکت‌های فهرست‌شده در بورس اوراق بهادار لندن، برای تحقق بخشیدن به اثربخشی کنترل‌های داخلی، انجمن حسابداران خبره انگلستان و ولز راهنمای کنترل داخلی را منتشر کرد. این رهنمود را گروه مطالعات نیپل ترنبول در سپتامبر ۱۹۹۹ سرپرستی کرد و وظایف اصلی آن آزمون رویه‌ی کنترل‌های داخلی در شرکت‌های بریتانیایی و فراهم کردن خطمشی‌های مرتبط

برای کمک به مدیران شرکت‌ها است تا به منظور مدیریت ریسکی که شرکت‌ها با آن مواجه شده‌اند، سیستم کنترل‌های داخلی منسب‌تعبیه گردد. در گزارش ترنبول، شرکت‌ها ملزم شده‌اند تا فرآیند مدیریت ریسک را گزارش کنند. [۵] سیر نمایه‌ی (۲)، سیر تاریخی گزارش مرتبط با بررسی ساختار کنترل داخلی تا گزارش ترنبول را مشاهده می‌کنید. در گزارش

ترنبول از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، تقاضا شده بود تا گزارش را از ۲۲ دسامبر ۲۰۰۰ به طور کامل رعایت کنند. این گزارش در سال ۲۰۰۵ تعدیل شد و مسایل اخلاقی در سازمان را مورد توجه قرار داده است.

رهنمود ترنبول به عنوان چارچوبی برای ارزیابی اهداف بخش ۴۰۴ (الف) از قانون ساربنس اکسلی
پس از آن که رهنمود ترنبول در سال ۱۹۹۹ منتشر شد، قانون ساربنس اکسلی در

این مجموعه قوانین، ماهیت مطالعات را کامل کرد و چارچوب حاکمیت شرکتی مدرن و مفصلی را طرح ساخت. با وجود این که این مجموعه قوانین اختیاری بود، بورس لندن از شرکت‌های پذیرفته‌شده خواست افشای کاملی را در حساب‌ها و گزارش‌های سالانه‌شان در رابطه با کیفیت ارقام مندرج و پیروی از استانداردها و قانون یا تشریح عدم پیروی از آن‌ها ارائه دهند. به منظور فراهم‌آوردن راهنمایی برای

سال ۲۰۰۲ در ایالات متحده مورد تصویب قرار گرفت و کمیسیون بورس اوراق بهادار مقرراتی برای رعایت قانون فوق تجویز کرد. از جمله بخش‌های مهم این قانون، بخش ۴۰۴ (الف) است که مدیریت ملزم به قضاوت در مورد اثربخشی کنترل حاکم بر گزارش‌های مالی و داشتن چارچوب گزارشگری مناسب است. کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا، رهنمود ترنبول را چارچوب مناسبی برای رجوع به مواردی که در بخش ۴۰۴ مطرح شده، ولی جزئیات آن بیان نشده، می‌شناسد. هدف این رهنمود برای کمک به شرکت‌های غیر امریکایی که در کمیسیون بورس اوراق بهادار ثبت شده‌اند (به عنوان مراجعه‌کننده به کمیسیون بورس اوراق بهادار) و الزامات بخش ۴۰۴ (الف) را به‌خوبی توصیف می‌کند، همچنین در مورد بررسی ناکارایی کنترل‌های داخلی (عدم اثربخشی)^{۱۱} و الزام مدیریت به گزارش، آن را مورد تحلیل قرار می‌دهد. هیچ چیزی در رهنمود ترنبول، تعهدات مدیریت را در قبال قوانین و مقررات ایالات متحده کاهش نمی‌دهد. این رهنمود قصد ندارد مرجع جامع برای تطابق با S۴۰۴ (الف) و مقررات بورس اوراق بهادار شود، بلکه توصیه یا تشریح الزامات قانونی است. علاوه بر این، بورس اوراق بهادار باید برای اطمینان از درک کامل مفاهیم ۴۰۴ (الف) از مشاوران حرفه‌ای استفاده کند. رهنمود ترنبول دو نقش با اهمیت در ارتباط با قانون ساربنس اکسلی دارد:

- فرآیندها و معیارهای مورد نیاز برای توجه به الزامات مقررات ایالات متحده، به‌صورتی که مدیریت بررسی‌ای از اثربخشی کنترل‌های داخلی شرکت حاکم بر گزارش‌های مالی انجام دهد،
- مستندسازی مناسب در پشتیبانی از گزارش‌های مدیریت، به منظور بررسی مجدد، الزامی است.

هدف تدوین‌کنندگان مقررات بورس اوراق بهادار ایالات متحده، نظارت بر اجرای صحیح رهنمودها است (به‌ویژه کسانی که باید در قبال

سوال‌های مطرح شده برای اجرای قوانین بورس پاسخ‌گو باشند نظیر بورس اوراق بهادار و هیئت نظارت بر شرکت‌های سهامی عام) و همچنین اطمینان از گسترش کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارش‌های مالی و موثر بودن آن از دلایل توجه به این رهنمود ترنبول بوده است. [۶]

آمادگی شرکت‌ها در مقابله با

مشکلات مالی در حال افزایش

تقلب و تخلف، ارزش‌های اخلاقی، عدالت، توسعه‌ی پایدار و حاکمیت قانون را در سازمان تهدید می‌کند. کارشناسان مالی معتقدند برای گسترش و تقویت تدابیر مبارزه با تخلف و تقلب در شرکت، همکاری گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌علاقه در شرکت را می‌طلبند. با توجه به افزایش ریسک تقلب در محیط تجاری، بیش‌تر شرکت‌ها واکنش مناسب و درخوری در مقابل سطح افزایش ریسک که نیاز به مراقبت بیشتر دارد، نشان نمی‌دهند. با مشاهده‌ی تقلب‌های بزرگ، یادآوری این نکته مهم است که حسابرسان به‌تنهایی نمی‌توانند، برای بررسی ساختارهای کنترل داخلی و کشف موارد تخلف، عملکرد سازمان را مورد نقد قرار دهند. در بررسی‌ای که در اتحادیه‌ی اروپا انجام شده در حدود نیمی از پاسخ‌دهندگان بر این عقیده هستند فعالیت‌های مبارزه با تقلب در چند سال اخیر نه تنها افزایش نیافته، بلکه بودجه‌هایی که برای جلوگیری و کشف موارد تقلب تخصیص یافته، کاهش پیدا کرده است. گذشته از این، تردید نسبت به حسن اجرای وظایف توسط مدیریت، پاسخ‌گویی و افزایش شفافیت، همواره از جمله موارد مورد بحث سهام‌داران و کارکنان است. به‌طوری‌که، ۲۹٪ پاسخ‌دهندگان بر این عقیده هستند که مدیریت غیر قابل‌اعتماد است و در سطح ۴۲٪ پاسخ‌گویان، رتبه‌بندی مدیران و سرپرستان را بزرگ‌ترین تهدید برای سازمان می‌دانند. [۱۰]

با توجه به این‌که اعتماد به مدیریت کاهش یافته است که این امر افزایش ریسک تقلب را به همراه دارد، بیش‌تر کارمندان رویکرد الزام‌آور (تدوین قوانین حمایتی) را مفید دانسته و درخواست افزایش این قوانین را دارند قوانینی که در حمایت از کارکنان و نیروی کار شرکت باشد، اقدامات لازم نسبت به تقلب را در برگیرد و افشاگران را در زیر چتر حمایت قرار دهند. همچنین نظارت بورس اوراق بهادار بر حسن اجرای قوانین و توجه به گزارش‌های حسابرس و مدیریت در ارزیابی کنترل‌های داخلی، از جمله فعالیت‌های مبارزه با تقلب است که می‌تواند حس اعتماد را در سهام‌داران و کارکنان احیا کند.

آینده‌ی ریسک تقلب

با نگاه به گذشته درمی‌یابیم در طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۷، قوانین و مقررات مبارزه با تقلب - تخلف چه در داخل کشورها و چه در سطح بین‌المللی، در حال افزایش بوده و رویکردهای مبارزه با تخلف‌های سازمانی مورد توجه قرار گرفته است، بنابراین باید نتیجه گرفت، که روند رو به رشد تخلف‌ها کاهش یافته و این نیز کاهش تقلب‌ها را در پی خواهد داشت. اما هنگامی که از مدیران سوال می‌شود که نظر شما درباره آینده‌ی تقلب و تخلف چیست؟ در پاسخ می‌گویند:^{۱۲} میزان تخلف و تقلب نه تنها کاهش نخواهد یافت و به‌طور محتمل میزان تقلب در سه سطحی که امکان رخ دادن آن وجود دارد، حفظ می‌شود. این امر را محققان موسسات حسابرسی در طی سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۰۷ مورد بررسی قرار داده و با توجه به روند تقلب‌های کشف‌شده و نیز با توجه کاهش تخلف‌ها و موارد تقلب در طی سال‌های یادشده، پیش‌بینی می‌شود که اختلاس در دارایی‌ها در حدود ۲۵٪، فعالیت‌های غیر قانونی و غیر اخلاقی در حدود ۲۰٪ و گزارشگری

پی‌نوشت‌ها

[4] Adam Bates (2006) «Fraud Risk Management, Developing a Strategy for Prevention, Detection, and Response» Global Chairman, KPMG Forensic.

[5] CCGI,(2003) «Sarbanes Oxley and Turnbull report on corporate governance», center for corporate governance implementation

[6] FRC (2004) «the Turnbull guidance as an evaluation framework for the purposes of Section 404(a) Of the Sarbanes-Oxley Act, Guidance for Directors on the Combined Code (The Turnbull guidance). The Institute of Chartered Accountants in England & Wales Chartered Accountants' Hall, Available on www.frc.org.uk/corporate.

[7] Johnson M and Rogers Kevin M (2007) «The Fraud Act 2006: The E-Crime Prosecutor's champion or the creator of a new inchoate offence?», University of Hertfordshire, School of Law, 2007 annual conference of Hertfordshire, British and Irish law, education and technology association.

[8] Girgenti Richard «Integrity survey 2008/2009», national practice leader of US KPMG forensic.

[9] Rowe Edward (2008) «Disclosure of internal control», corporate governance, performance and compliance, Audit committee institute in Russia

[10] Stub David L. (2009) «European fraud survey 2009 s integrity a casualty Of the downturn», Global and EMEA Leader Fraud Investigation & Dispute Services Ernst & Young Company.

[11] Valli (2009) Ten Major Accounting Scandals, accounting scandals in history, available on <http://bizcovering.com>

[12] Congress of the United States «Fraud Enforcement and Recovery Act of 2009 (FERA), US GPO, Washington, DC 20401. Passed by both the House and Senate, U.S President signed it into law in May 20, 2009

۱- Remedial Actions

۲- The New York Stock Exchange (NYSE)

۳- The National Association of Securities Dealers Quotations (NASDAQ)

۴- U.S. Sentencing Guidelines Criteria

۵- Compliance Program

۶- Cadbury

۷- Simon Ruttelman

۸- The Greenbury Committee

۹- United Kingdom

۱۰- Hampel

۱۱- Ineffective

۱۲- براساس پاسخ‌های دریافتی از ۲۲۴۶ مدیر در استخدام ۲۲ شرکت در اتحادیه اروپا (شامل بر ۴۱٪ شرکت‌های دولتی، ۴۶٪ شرکت‌های خصوصی و ۱۴٪ سازمان غیر انتفاعی).

منابع

- [۱] حساس یگانه یحیی و کاظمی حسین، حکمیت شرکتی و مدیریت ریسک، ماهنامه حسابدار، شماره پیاپی ۱۸۸
- [۲] مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، یازدهمین کنگره‌ی سازمان ملل متحد درباره پیش‌گیری از جرایم اقتصادی و مالی: چالش‌ها نسبت به توسعه پایدار، www.unodc.org
- [۳] یحیی حساس یگانه، اسکو، وحید داغانی رضا، تقلب در شرکت‌ها: چه کسانی هشدار می‌دهند؟ ششمین فصلنامه تخصصی «حسابدار رسمی»، تابستان ۱۳۸۸

فریب‌آمیز مالی ۸٪ افزایش یابد. البته باید توجه داشت، بحران مالی اخیر که موجب کاهش درآمدهای کارکنان و نیز کاهش فعالیت‌های کسب‌وکار شده است، بی‌تأثیر بر موارد فوق نبوده است، به‌طوریکه انجمن حسابداران مدیریت خبره‌ی انگلستان، فشارهای اقتصادی و بازار را مهم‌ترین عامل بروز تخلف و تقلب در سطح سازمان‌ها می‌داند [۱۰].

پایان سخن

پیام این متن واضح است «واکنش شرکت‌ها به خصوص مدیریت، نسبت به موارد تقلب در بحران اقتصادی جاری، باید مورد توجه قرار گیرد»، نه تنها تدوین‌کنندگان قوانین به این موضوع مهم توجه کرده‌اند، که خواسته‌ی سهامداران، کارمندان و حتی مشتریان سازمان‌هاست. بنابراین همواره از مدیریت می‌خواهند که جزو پیشگامان ارزیابی فعالیت‌های شرکت‌ها و مبارزه با متخلفان و متقلبان باشند. مدیریت باید خود را برای واکنش مناسب در زمان وقوع تقلب یا تخلف آماده کرده ابزار لازم را در بر خورده با آن مهیا نماید. چنین عملکردی توسط مدیریت، ایفای تعهد او در قبال سازمان است و افراد را از انجام فعالیت‌های متقلبانه بازمی‌دارد.